

نگاهی به ضرورت‌ها و توجیهات اجرای برنامه تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی

نگارش: حمید رضا زرنکار

مقدمه

اگرچه سهم بخش کشاورزی از کل منابع سرمایه‌گذاری شده دولت در ۳۰ سال گذشته همواره کم‌تر از ۶ درصد بوده و بخش کشاورزی با حداقل سرمایه‌گذاری ریالی و ارزی، نقش تعیین‌کننده خود را در اقتصاد ملی داشته است؛ اما به هر روی در کشور ما تولید محصولات کشاورزی سالم برای تأمین نیازهای جمعیت و امنیت غذایی از الزامات توسعه ملی به شمار می‌آید و این رسالت اغلب برعهده جامعه روستایی است. در این میانه نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی به عنوان واحد مدیریتی نقش منحصر به فردی در توسعه کشاورزی و استفاده صحیح از منابع آبی و خاکی و بهره‌برداری بهینه از سایر عوامل و عناصر مطروحه در آن‌ها دارد.

با آغاز برنامه اصلاحات ارضی در کشور مدیریت روستاها دستخوش تغییرات اساسی شد و نقش مالکان بزرگ و کدخداهای سهم مهمی در مدیریت مالی و اجتماعی روستاها داشتند، حذف گردید. از آنجاکه از قبل برای جایگزینی این خلأ مدیریتی ناشی از حذف این طبقه سازوکار دقیقی اندیشیده نشده بود اصلاحات ارضی به رواج خرده دهقانی دامن زد. بدین لحاظ، تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید روستایی در سال‌های بعد برای رفع چنین نقیصه‌ای مورد توجه قرار گرفت. گرچه اصلاحات ارضی تا حدود زیادی موفق شد مناسبات کهنه را در نظام زمینداری که عمدتاً بر سهم بری تکیه داشت از بین ببرد و دهقانان سهم بر را به دهقانان مالک تبدیل کند؛ اما خرد شدن واحدهای بهره‌برداری به ویژه بهره‌برداری‌های کم‌تر از دو هکتار از آثار و تبعات منفی آن بود. به هر روی شرایط جدید، ناشی از تحولات در جامعه روستایی شکل‌گیری شیوه‌های نوین را در سازماندهی روابط تولیدی ضروری ساخته بود. دولت سعی کرد با راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی بر مشکل تأمین سرمایه و امکانات فنی فایق آید

تعاونی تولید بر اساس اهداف توسعه فنی و اقتصادی طراحی شده و ضوابط مربوط به شکل‌گیری و توسعه آن‌ها به ویژه از سال ۱۳۴۹ با اجرای قانون تعاونی نمودن تولید به اجرا گذارده شد. به دلیل کارآمدی و اثربخشی این شرکت‌ها به ویژه در خصوص اهداف کلان بخش کشاورزی، جایگاه‌ها و نقش‌های بیش‌تری در طول زمان به آن‌ها اختصاص داده شد که از آن جمله می‌توان به واگذاری مدیریت شبکه‌های آبیاری، تحقق یکپارچه‌سازی و یکجاکشتی و نیز تحقق برنامه‌های الگوی کشت اشاره نمود. این نقش‌ها به طور مستقیم بازتاب اهداف غایی بخش کشاورزی و مداخله‌گری‌های توسعه‌گرایانه حاکمیتی در عرصه کشاورزی می‌باشد و به همین دلیل بهبود مداوم فرآیندها و سازوکارها و رویه‌های مربوط به توسعه

نظام‌های بهره برداری در دستور کار توسعه آن‌ها قرار گرفته است. برنامه های بهبود فرآیندها می توانند با ایجاد ظرفیت‌ها و امکانات، زمینه های لازم برای پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌های جدید بر اساس نیازهای رو به رشد و متغیر بخش کشاورزی را در شرکت‌های تعاونی تولید و سایر شیوه های بهره برداری فراهم نمایند.

عنوان مطلب حاضر به پیروی از تصریحات قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی که مبنای فعالیت تعاونی‌های مذکور است انتخاب گردیده است. در برنامه حاضر تلاش می‌گردد توجهات، فنی، اقتصادی و اجتماعی لازم برای توسعه فعالیت تعاونی‌های تولید روستایی منظور گردد.

تعاریف و مفاهیم

نظام بهره‌برداری : مراد از نظام بهره‌برداری، سازمانی اجتماعی (اقتصادی و فنی) مرکب از عناصری به هم پیوسته است که با هویت و مدیریتی واحد و در چارچوب شرایط اجتماعی، اقتصادی و طبیعی محیط خود امکان تولید کشاورزی را فراهم سازد. می‌توان گفت نظام بهره‌برداری اساسی‌ترین و عمده‌ترین موضوع مطروحه در بخش کشاورزی آن جامعه را تشکیل می‌دهد!

در جدیدترین تقسیم‌بندی‌هایی که بر اساس این شاخص انجام می‌شود سه نوع نظام بهره‌برداری اصلی و تعدادی بهره‌برداری‌های فرعی قابل تشخیص است.

نظام بهره‌برداری دهقانی : شامل واحدهای خرد و دهقانی

نظام بهره‌برداری تعاونی : شامل شرکت‌های تعاونی تولید کشاورزی، تعاونی‌های سنتی، مشاع‌ها یا شرکت‌های غیر رسمی، تعاونی‌های مشاع

نظام بهره‌برداری تجاری : شامل واحدهای شخصی، شرکتی غیر رسمی، شرکت‌های سهامی زراعی و شرکت‌های کشت و صنعت

تعاونی تولید روستایی : شرکت‌های تعاونی تولید روستایی نوعی بهره‌برداری گروهی از اراضی توسط دهقانان با حفظ مالکیت فردی آنان است. تصمیمات در این شرکت‌ها از طریق مجامع عمومی و هیئت مدیره گرفته می‌شود. شرکت‌های مذکور برای تحقق اهداف مذکور در قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در زمینه بهره برداری از منابع آب و خاک کشور و افزایش تولید و درآمد روستاییان و سایر زمینه‌های مرتبط با این دو هدف پایه‌گذاری شده‌اند.

برنامه تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی: این برنامه که در پیروی از قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی^۲ و بر اساس تصریح ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور^۳ عنوان می‌گردد متضمن کلیه پروژه های مورد نظر دفتر نظام‌های بهره‌برداری در شرکت‌های تعاونی تولید با هدف بهبود بهره‌برداری عمومی و جمعی اعضا از منابع و زیرساخت‌های تولید (آب و خاک، ماشین‌آلات، نیروی انسانی و منابع پولی و مالی)، ارتقا و تنوع بخشی به فعالیت‌های تولیدی، فنی و بازرگانی مشترک، افزایش توان مالی، ارتقای سطح دانش اعضا و ارکان و نیز اعمال مدیریت یکپارچه، واحد و مشارکتی بر عملیات شرکت‌های مذکور است.

جایگاه شرکت‌های تعاونی‌های تولید در بخش کشاورزی

برخی ویژگی‌های تعاونی‌های تولید روستایی در سطح کشور عبارتند از:

- ۱۳۶۵ شرکت تعاونی تولید
- ۶۱ اتحادیه تعاونی تولید
- حدود ۴ میلیون و ۲۳ هزار هکتار اراضی تحت پوشش
- حدود ۳۹۴,۰۰۰ عضو
- حدود ۸/۱٪ اراضی زیرکشت دیم کشور
- حدود ۳۰٪ اراضی زیرکشت آبی کشور

در تشکیل شرکت تعاونی تولید به سطح جغرافیایی (روستا)، تعداد اعضا، منابع آب و زمین قابل کشت توجه می‌گردد. از مجموع ۳۹۳ شهرستان کشور در ۳۰۲ شهرستان شرکت تعاونی تولید وجود دارد. میزان اراضی آبی (زراعی و باغی) اعضای تعاونی‌ها در کشور ۲۴۳۸۵۹۵ هکتار بوده که در قیاس با کل اراضی آبی کشور که ۸۲۹۷۰۳۱ هکتار می‌باشد قریب به ۲۹/۴٪ اراضی آبی را شامل می‌شود. میزان اراضی دیم اعضا تعاونی‌ها نیز ۷۷۷۴۳۳ هکتار که در قیاس با کل اراضی دیم ۹۳۶۸۱۶۸ هکتار می‌باشد حدود ۸/۳٪ از کل اراضی دیم را نیز شامل می‌گردد.

در مورد سهم تعاونی‌های تولید روستایی از مجموع تولیدات زراعی می‌توان به سهم تولیدی ۳۷/۵ درصدی آن‌ها در تولید گندم، سهم ۳۶ درصدی در تولید چغندر قند، سهم ۳۵ درصدی در تولید کلزا و سهم ۳۱ درصدی در تولید جو در تعاونی‌های مذکور در مقایسه با مجموع کشور اشاره نمود. در مورد تولیدات

۲ مصوب سال ۱۳۴۹ و اصلاحی سال ۱۳۹۳.

۳ مصوب ۱۳۵۰/۵/۹ هیئت وزیران.

باغی نیز می‌توان به سهم ۷۹/۵ درصدی آن‌ها در تولید زرشک، سهم ۵۰ درصدی در تولید بادام و گردو، سهم ۳۵ درصدی در تولید زیتون و سهم ۱۹ درصدی در تولید پسته اشاره نمود.^۴

اهمیت و ضرورت اجرای برنامه

در سال ۱۳۳۹، حدود ۸۳ درصد بهره‌برداری‌های کشاورزی کمتر از ده هکتار زمین کشاورزی داشته و ۴۰ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار داشته‌اند. در سال ۱۳۷۲ بیش از ۸۴/۸ درصد بهره‌برداری‌های کشاورزی کمتر از ده هکتار زمین کشاورزی داشته و ۳۷/۲ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار داشته‌اند. تعداد بهره‌برداری‌ها از یک میلیون و ۸۷۷ هزار در سال ۱۳۳۹ به ۲ میلیون و ۸۰۹ هزار در سال ۱۳۷۲ افزایش یافت و حدود ۱/۵ برابر شد. تعداد واحدهای کشاورزی زیر ده هکتار در سال ۱۳۸۲ به دو میلیون و ۳۸۲/۶ هزار و میزان اراضی تحت اختیار آن‌ها در آن سال به پنج میلیون و ۷۵۴ هزار واحد رسید. میانگین وسعت اراضی بهره‌برداران زیر ده هکتار در آن سال ۲/۴ هکتار و در مجموع بسیار پایین بود. در قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی مصوب سال ۱۳۴۹ و اصلاحیه سال ۱۳۹۳ قانون مذکور ضرورت‌هایی همچون یکپارچه کردن قطعات اراضی مزروعی در جهت امکان حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک آشنا ساختن روستاییان با اصول و شیوه‌های و استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی و احیای اراضی و افزایش تولید و درآمد سرانه سکنه روستاها و مواردی از این قبیل تصریح شده است.

همواره گفته می‌شود که پراکندگی منابع تولید (از جمله اراضی)، استفاده از دستاوردهای علمی و فنی و تکنولوژی، سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات، ارتباطات و نهاده‌های کشاورزی را مشکل و گاهی غیر ممکن می‌سازد. امروزه پراکندگی قطعات زمین، مانع اساسی راه پیشرفت و توسعه کشاورزی و جامعه روستایی می‌باشد. پراکندگی اراضی باعث می‌شود استفاده از عوامل تولید با دشواری صورت گیرد. نیروی کار به علت وجود عارضه پراکندگی زمین، تضعیف شده و کارایی آن کاهش می‌یابد. فاصله بیش از حد بین قطعات، رفت و آمد های مکرر و در نتیجه کاهش انرژی کشاورزان را به دنبال دارد. در شرایط یکپارچه نبودن اراضی و وجود موانع فیزیکی و طبیعی که در این اراضی وجود دارد، بهره‌برداران نمی‌توانند از آن‌ها به صورت بهینه استفاده کنند و سرمایه‌گذاری در امور زیر بنایی مانند احداث سدها، شبکه‌های آبرسانی، زهکشی، تسطیح زمین و احداث جاده‌های بین مزارع، با وجود اهمیت بسیار غیر ممکن می‌گردد. عدم سرمایه‌گذاری در مزارع و فراهم نکردن فنآوری نوین سبب می‌شود تا بهره‌برداران نتوانند به کشاورزی سودآور دست یابند. کوچک بودن قطعات زمین، تعداد و فاصله بین قطعات و نامنظم بودن شکل آن‌ها،

مسائل و مشکلات متعددی را در بهره‌برداری از زمین و سایر عوامل تولید به وجود می‌آورد. بر مبنای این دشواری‌هاست که وزارت جهاد کشاورزی در ماده ۶ اصلاحیه سال ۱۳۹۳ قانون مذکور مکلف به تهیه نقشه جامع و یکپارچه شدن اراضی در محدوده ثبتی روستاهای حوزه عمل این قانون شد. لازم به ذکر است که یکپارچه سازی اراضی کشاورزی در معنای کامل خود به مفهوم یکپارچه کردن و هماهنگ نمودن کلیه فعالیت های کشاورزی اعم از آماده سازی زمین، تهیه بذر، کود، سم ماشین آلات کشاورزی و نگهداری و استفاده صحیح از آنها و مدیریت منسجم تولید است. تعاونی نمودن تولید نیز اگرچه ممکن است تلقی‌هایی خاص و ویژه را همچون اقدام جمعی برای تولید محصولی واحد را متبادر سازد؛ اما در اساس به دلیل پابندی قانون به استقلال عمل کشاورزان در کار و بهره‌برداری از اراضی خود، در عمل متضمن کار و تصمیم‌گیری توأم با مشارکت و توافق جمعی برای تولید و بهره‌برداری از منابع است.

در ماده یک قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی به وزارت جهاد کشاورزی اجازه داده شده که با رعایت اصل مالکیت کشاورزان و تامین حقوق ناشی از آن به تدریج و متناسب با امکانات و مقدرات دولت و همچنین استقبال کشاورزان از برنامه یکپارچه کردن اراضی و تعاونی نمودن تولید به تاسیس تعاونی‌های تولید روستایی مبادرت ورزد. در حقیقت تعاونی تولید ساز و کار اجرایی نیل به اهداف قانون مزبور است.. در بسیاری از نقاط کشور این شرکت‌ها به کانون‌های محلی توسعه کشاورزی تبدیل شده اند و فعالیت های آنها به رشد جهت‌گیری‌های تولیدی و از بُعد اجتماعی، به شکل‌گیری مشارکت‌های کشاورزان در تصمیماتی که بر زندگی آنان تاثیر می‌گذارد منجر شده است. شرکت‌های تعاونی تولید روستایی مکان‌های مناسبی برای سرمایه‌گذاری های زیربنایی و اجرای طرح های توسعه و افزایش تولید محصولات کشاورزی و ساماندهی مسائل بازاریابی و فروش محصولات تولیدی اند. به این ترتیب باید با توجه به نقش مشارکت جویانه و فعال بهره‌برداران کشاورزی در عرصه تعاونی‌های تولید باید از تعاونی‌های موجود حمایت کافی به عمل آید و کمک های لازم برای توسعه کمی و کیفی این گونه بهره‌برداری در عرصه های جدید در نظر گرفته شود.

الزامات قانونی

در مقام جستجوی ضرورت‌های وجودی اجرای برنامه پیشنهادی حاضر ارائه شواهد و تصریحاتی از متون حقوقی و قانونی موجود در بخش کشاورزی سودمند می‌باشد.

در بند ۵- ج شرح وظایف تفصیلی وزارت جهاد کشاورزی مصوب ۱۳۸۱/۴/۲ هیات وزیران بر وظیفه مندی وزارتخانه مذکور در خصوص مطالعه، طراحی و بهینه سازی الگوها و نظام های تولید و بهره‌برداری در بخش کشاورزی و ارزیابی و اصلاح مستمر آنها و نیز یکپارچه‌سازی اراضی، احداث

راه‌های بین مزارع، تجهیز و نوسازی مزارع و باغ‌ها به منظور استفاده موثر از منابع و نهادهای کشاورزی و ارتقای بهره‌وری در فرآیند تولید با تاکید بر بهبود بهره‌وری از آب تصریح شده است.

در ماده ۳ مصوبه مورخ ۱۱ خرداد ۱۳۸۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی بر ساماندهی و اصلاح ساختار و نظام بهره‌برداری بخش کشاورزی با رعایت اندازه‌های فنی - اقتصادی واحدهای تولیدی به خصوص تجمیع اراضی کوچک و اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از خرد شدن اراضی کشاورزی و حفظ واحد تولید اقتصادی با توجه به مالکیت اشخاص و تاکید بر جهت‌گیری حمایتی دولت از این سیاست‌ها به ویژه در واگذاری منابع آب و خاک و سایر عوامل تولید متناسب با نوع فعالیت و شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی مناطق کشور تصریح شده است.

تعیین این وظایف برای دولت خودبخود می‌تواند انجام و گسترش فعالیت‌های زیربنایی در اراضی بهره‌برداران و کشاورزان را توجیه‌پذیر سازد.

همان‌گونه که اشاره شد قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی متن قانونی عمده‌ای است که در آن بر تاسیس تعاونی‌های تولید روستایی و لزوم اجرای طرح‌ها و امور زیربنایی در شرکت‌های مزبور تصریح شده است. موضوعاتی نظیر یکپارچه کردن قطعات اراضی زراعی در جهت امکان حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک کشور از طریق تاسیس شبکه‌های نوین آبیاری و تسطیح اراضی زراعی و تحقق شمار قابل توجهی از وظایف تولیدی، زیربنایی و حمایتی با رعایت نظام تعاون در ماده یک قانون که منجر به فراهم شدن موجبات افزایش تولید و درآمد سرانه سکنه روستاها و تأمین رشد مداوم اقتصادی کشور می‌شود به منزله پایه‌های فکری قانون مورد اشاره محسوب می‌گردند.

در ماده چهار قانون شرکت‌های تعاونی تولید در استفاده از کلیه اقدامات و برنامه‌هایی که وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی در مورد رفاه اجتماعی و عمران روستائی و آبادانی و آبیاری و بهبود وضع محصول و ترویج و توسعه صنایع دستی و فعالیت‌های غیر کشاورزی و امثال آن در مناطق مختلف کشور اجرا می‌کنند حق تقدم دارند. در ماده پنج دولت مکلف گردیده است برای اجرای این قانون همه ساله اعتبار لازم را از محل اعتبارات عمرانی یا بودجه جاری کشور به صورت کمک بلاعوض و یا وام در اختیار وزارت جهاد کشاورزی بگذارد. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد در بخش دیگری از قانون مذکور (ماده شش) دولت مکلف به تهیه نقشه جامع و یکپارچه شدن اراضی در محدوده ثبتی روستاهای حوزه عمل این قانون شد.

در ماده یک آیین‌نامه اجرائی این قانون (مصوب ۹ مرداد ۱۳۵۰) به اجرای برنامه تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در قطب‌های توسعه و مناطق مورد سرمایه‌گذاری برای برنامه‌های آبیاری اشاره شده است. در آیین‌نامه قبول و اجرای برنامه یکپارچه کردن اراضی مزروعی و تعاونی نمودن تولید

منوط به تصمیم مجمع عمومی شرکت‌های تعاونی و عقد قرارداد لازم بین دولت و شرکت‌ها دانسته شده است.

در بند اول ماده ۴ آیین نامه، اعتبارات و امکاناتی که از محل اعتبار عمرانی دولت در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار داده شده به دو طبقه زیر تقسیم می‌شود:

اول عملیات عمرانی زیربنایی که باید از اعتبار عمرانی بلاعوض و قبل از انجام هر گونه اقدام لازم برای اجرای برنامه تعاونی کردن تولید و یکپارچه شدن اراضی انجام پذیرند که خود دربرگیرنده ۹ بند وظایف عمده زیربنایی عمومی و تعداد متنابهی از فعالیت‌های مربوط به آن می‌باشد. دوم عملیاتی که باید با استفاده از وام‌های پرداختی به شرکت‌های تعاونی مشمول طرح انجام شود. مواردی مانند تهیه طرح جامع توسعه کشاورزی^۵، تسطیح اراضی طبق طرح جامع توسعه کشاورزی^۶، ایجاد شبکه‌های آبیاری اصلی درجه ۱ و ۲ و ۳ و زهکشی اصلی^۷، آموزش فنی و حرفه‌ای کارکنان شرکت تعاونی روستایی و تامین کارشناسان لازم برای پیاده کردن برنامه و مدیریت و نظارت بر عملیات^۸ و تامین خدمات مهندسی مورد نیاز اجرای طرح‌ها^۹ از جمله مصادیق اعتبارات عمرانی بلاعوض مورد اشاره در این ماده به شمار می‌روند. بدون تردید موارد مذکور در راستای تحقق دو مفهوم "تعاونی نمودن تولید" و "یکپارچه سازی اراضی" ان چنان که در بخش تعاریف مفاهیم نوشته حاضر آمده می‌باشد. در ماده ۵ آیین نامه کشاورزان عضو به تبعیت و شرکت در برنامه تعاونی کردن تولید در صورت قبول آن توسط شرکت ملزم شده‌اند. در ماده ۷ به این شرکت‌ها اجازه داده شده که عملیات کشت و تولید را در تمام یا قسمتی از اراضی زراعی اعضا راساً انجام دهند و یا اجرای تمام یا قسمتی از برنامه را تحت نظارت خود در اراضی به هر یک از کشاورزان یا گروه‌هایی از کشاورزان واگذار کنند. در ماده ۱۵ موضوع فعالیت تولیدی دسته‌جمعی و گروهی اعضای شرکت‌های تعاونی روستایی در شکل بنه در مراحل کاشت و داشت و برداشت و تحویل محصول جمع‌آوری شده برای عرضه به بازارهای فروش و نیز اختصاص دادن دستمزد روزانه به تناسب نوع کار و پرداخت و درآمد خالص به اعضا در صورت ضرورت مطرح شده است.

در اساسنامه شرکت تعاونی تولید روستایی مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱ به مواردی نظیر اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری کشاورزی، ارتقاء بهره‌وری عوامل تولید، تخصیص و بهره‌برداری بهینه منابع و افزایش کمی و کیفی تولید محصولات کشاورزی به عنوان هدف از تشکیل این شرکت‌ها اشاره شده است^{۱۰}. در همان متن حدود عملیات متعددی برای این شرکت‌ها منظور گردیده است. برخی از این موارد با

۵ بند الف بخش اول ماده ۴ آیین نامه

۶ بند ز بخش اول ماده ۴ آیین نامه

۷ بند ژ بخش اول ماده ۴ آیین نامه

۸ بند س بخش اول ماده ۴ آیین نامه

۹ بند ص بخش اول ماده ۴ آیین نامه

۱۰ ماده ۵ اساسنامه.

جنبه‌های خاص مورد نظر برنامه حاضر مرتبط اند. مواردی همچون یکپارچه‌سازی اراضی خرد و پراکنده اعضا با حفظ مالکیت فردی آن‌ها و رعایت الگوی کشت در قالب نظام یکجا کشتی، انجام عملیات مربوط به بهبود، توسعه و تولید محصولات کشاورزی، استقرار مدیریت مشارکتی آب، مدیریت و بهره‌برداری جمعی و مشترک از اراضی کشاورزی از آن جمله‌اند. در بند ۱ بخش الف ماده شش اساسنامه در بیان شرایط عضویت شرکت‌های تعاونی تولید بر التزام داوطلبان عضویت به اهداف شرکت و اجرای برنامه قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی تصریح شده است. در تبصره ۱ همان ماده نیز بار دیگر بر ضرورت تقاضا و داوطلب بودن اعضا در ارتباط با انجام عملیات تجمیع، تجهیز و یکپارچه سازی اراضی و یکجا کشتی با اعمال مدیریت متمرکز تاکید شده است.

توجیهات اساسی برای اجرای برنامه تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی

توجیه اقتصادی:

این توجیهات غالباً در دو سطح ناحیه‌ای و محلی (خرد) و ملی (کلان) قابل طرح و توصیف است. در سطح ناحیه‌ای و محلی: تاسیس تعاونی‌های تولید روستایی و اجرای طرح‌های مرتبط با برنامه حاضر در سطح محلی و در میان بهره‌برداران عضو می‌تواند به آثاری همچون افزایش راندمان آبیاری، افزایش سطح زیر کشت آبی و به تبع آن افزایش تولید در واحد سطحه دنبال ایجاد و به‌کارگیری تاسیسات و تجهیزات آبرسانی و آبیاری بیانجامد. افزایش درآمد کشاورزان و ارتقای معیشت در سطح روستا با توجه به اجرا و پیاده‌سازی الگوی کشت و مدیریت یکپارچه اراضی، تجهیز موثر و مطلوب منابع و نیروهای محلی برای نگهداری، تعمیر و احیای زیرساخت‌های آبی و آبیاری و در نتیجه افزایش اشتغال محلی از جمله این آثار است.

سایر آثار اقتصادی خرد مترتب بر اجرای این طرح‌ها می‌توانند در موارد زیر خلاصه شوند.

- ۱ ارتقای ارزش اقتصادی زمین کشاورزی.
- ۲ ایجاد امکان بهزراعی و انجام عملیات زیربنایی لازم برای کاربرد روش‌ها و استفاده صحیح و مناسب از ابزار، ماشین‌آلات و نهاده‌های نوین کشاورزی در اراضی انفرادی.
- ۳ کاهش هدررفت آب درانتقال به سطح مزرعه.
- ۴ بالا رفتن میانگین اندازه قطعات و جلوگیری از خرد شدن مجدد اراضی در نتیجه اجرای پروژه‌های یکجاکشتی و مدیریت زراعی.

- ۵ تسهیل در دسترسی کشاورزان به نهاده های کشاورزی از جمله سوخت، کود، سم، بذر و تهیه و توزیع آن‌ها از طریق تاسیس و تشکیل شرکت‌های تعاونی تولید.
- ۶ ارتقای خدمات فنی و سطح تکنولوژی و مدرنیزه کردن تولید.
- ۷ افزایش بازدهی نیروی کار در بین اعضای تعاونی‌های تولید ناشی از خدمات تعاونی‌ها در زمینه نهاده‌های تولید.
- ۸ توسعه زیرساخت‌های عمرانی در سطح روستاها به ویژه زیرساخت‌های تولید کشاورزی.
- ۹ فراهم سازی امکان ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی و فرآوری محصولات کشاورزی در مناطق روستایی.
- ۱۰ ایجاد امکان مناسب برای جذب و استفاده از تسهیلات بانکی و نیز ایجاد و توسعه فعالیت‌ها و صندوق‌های اعتباری در بین اعضا.

در سطح ملی: کاهش هزینه های نگهداری تاسیسات و سازه های آبی در سطح کشور، کاهش هزینه های کلی تولید در بخش کشاورزی از طریق توزیع و تامین مناسب عوامل تولید به ویژه آب، کاهش هزینه های مدیریت و بهره برداری از شبکه های آبیاری، کاهش زیان های اقتصادی ناشی از اختلافات و درگیری های مربوط به آب نیز از جمله توجیحات کلان اقتصادی برای اجرای برنامه تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی می باشد. گسترش بازار محوری و تولید برای بازار به ویژه گسترش کشاورزی تخصصی در عرصه ها و قطب های تولید، افزایش در رقم کل سرمایه گذاری در بخش کشاورزی و امکان اعمال سیاست های کشاورزی منطبق بر مطالعات و برنامه ریزی مصادیق دیگری از آثار کلان اجرای برنامه در سطح کشور می باشد.

توجیه اجتماعی:

موارد بسیاری در راستای توجیحات اجتماعی پروژه وجود دارد. جنبه های اجتماعی و شکل محور فعالیت تعاونی های تولید روستایی و نیز پیدایش و ایجاد آن ها در سطوح محلی (روستا) بر آثار و پیامدهای اجتماعی برنامه حاضر دلالت می نماید. برخی از این پیامدهای محتمل که در جای خود می توانند در نظام تولید و بهره برداری از منابع و افزایش توانمندی های انسانی در جوامع هدف موثر واقع گردند عبارت اند از:

- ۱ رشد سازمان کار تولید و مدیریت علمی و تخصصی با روابطی تا حدودی عقلایی و مبتنی بر تقسیم کار و تخصص گرایی بر اثر تاسیس تعاونی های تولید روستایی.
- ۲ رشد نیروی انسانی آگاه و آشنا به دانش علمی و فنی در سطح شرکت های مزبور .
- ۳ شبکه سازی در سطح محلی و میان تولید کنندگان در مسیر تامین منافع مشترک.
- ۴ نهادسازی محلی و کمک به رشد نهادهای محلی موثر در توسعه روستایی.

۵ رشد روحیه مشارکت داوطلبانه، توسعه فعالیت های جمعی، تجمیع توانائی های پراکنده در قالب گروه های تولید در شرکت های تعاونی تولید و طرح های آب و خاک بر اساس منابع مشترک آبی، همجواری اراضی و یا تولید محصول واحد.

۶ توسعه روحیه مسئولیت پذیری و نظارت همگانی از طریق تاسیس شرکت های تعاونی تولید.

۷ انجام و توسعه فعالیت های ترویجی و آموزشی بین اعضا و ارکان تعاونی ها برای افزایش درآمد و تولید شرکت و اعضا و نیز کاربرد تعاونی تولید در انتقال دانش تولید در میان عموم بهره برداران در قالب خدمات مشاوران مزرعه.

۸ افزایش هم افزایی میان ساکنان روستاها و ارتقای سرمایه اجتماعی.

۹ توسعه خدمات بیمه محصولات و نیز بیمه تامین اجتماعی و خدمات درمانی در مناطق حوزة عمل شرکت های تعاونی تولید روستایی.

توجه زیست محیطی:

۱ بخش کشاورزی در ایران در معرض تهدیدها و آسیب های زیست محیطی بسیاری است. برخی از آن ها از شرایط خاص جغرافیایی و مکانی کشور و برخی دیگر از فعالیت های انسانی سرچشمه می گیرد. میزان بالای یازکل وسعت سرزمین ایران از آب و هوای خشک و نیمه خشک برخوردار است و به این ترتیب کشور در معرض خطر فرایندهای پیشروی بیابان ها قرار دارد. در مجموع از نظر تناسب سطح مناطق خشک ایران با جهان، کشور ما روی کمربند خشک جهان قرار گرفته و $\frac{64}{6}$ درصد از مساحت آن دارای اقلیم خشک و فراخشک است که در مقایسه با میزان جهانی ($\frac{6}{19}$ درصد) $\frac{3}{3}$ برابر بیش تر است. میانگین سالانه ریزش باران در کل کشور ۳۲۰ میلی متر است. بارندگی در ایران یک سوم میانگین بارندگی جهانی است، در حالی که به دلیل قرار گرفتن بر روی کمربند خشکی جهان، تبخیر آب ۳ برابر میانگین جهانی است. از سوی دیگر گفته می شود در ایران حدود ۱۰۰ میلیون هکتار از اراضی در معرض کاهش پتانسیل تولید قرار دارند که ۷۵ میلیون هکتار آن در معرض فرسایش آبی، ۲۰ میلیون هکتار آن در معرض فرسایش بادی و ۵ میلیون هکتار در معرض دیگر اشکال شیمیایی و فیزیکی تخریب سرزمین همچون کاهش حاصلخیزی و شوری زایی است. اجرای صحیح پروژه ها و فعالیت های تامین و احداث منابع آبی و مدیریت نوین آب و خاک و فعالیت های بهزراعی و توسعه ای در تعاونی های تولید می تواند آثار زیست محیطی زیر را در پی داشته باشد:

۲ به تنوع آب و هوا و ایجاد کليمای جدید یا در واقع میکروکلیما و تغییر محسوس در کیفیت آب و هوای منتج گردد.

۳ با کمک به ایجاد بیشه‌زار و جنگل، مزارع مختلف و محوطه‌های سرسبز که برخی از آنها با هدایت آب به زمین‌های زیر دست سدها و در پی پروژه‌های آبیاری زهکشی شکل می‌گیرند موجب تغییرات محسوس در آب و هوای مناطق می‌گردند.

۴ در بسیاری نواحی هدایت آب‌های سطحی به در دسترس قرار گرفتن سهل الوصول آب برای پرندگان و ایجاد زیستگاه آبی برای آنها کمک می‌کند.

۵ به زیر کشت بردن زمین‌های بایر باعث تقویت پوشش گیاهی و مرتعی، تقویت خاک و پیشگیری از توسعه بیابان می‌گردد.

۶ تنوع بخشی به فعالیت‌های تولیدی کشاورزی نظیر پروژه‌های دامپروری، گیاهان دارویی و یا کشت‌های گلخانه‌ای و نیز ارگانیک در تعاونی‌های تولید باعث کاهش فشار بر منابع آب و خاک و مدیریت آنها در جهت توسعه پایدار می‌گردد.

۷ در نتیجه ایجاد کانال‌های استاندارد انتقال آب و نیز پروژه‌های نوین آبیاری از میزان فرسایش خاک به میزان قابل توجهی کاسته خواهد شد.

۸ با تاسیس و گسترش تعاونی‌های تولید در قالب برنامه حاضر امکان بیش‌تری برای اجرای روش‌هایی نظیر مدیریت تلفیقی سموم، مدیریت تلفیقی بهره‌وری و سموم و نیز کشاورزی ارگانیک و سرانجام تولید محصول سالم فراهم خواهد گردید.

برای اجرای برنامه مذکور چه اهدافی را می‌توان در پیش گرفت؟

هر اقدامی در این مسیر باید در راستای تحقق مقاصد عنوان شده در ماده یک قانون تعاونی نمودن تولید و یکپارچه شدن اراضی در خصوص یکپارچه کردن قطعات اراضی زراعی و بهره‌برداری مطلوب و پایدار از منابع آب و خاک کشور و نیز افزایش و تنوع درآمد بهره‌برداران عضو شرکت‌های تعاونی تولید روستایی از طریق تاسیس، بهبود و توسعه فعالیت این شرکت‌ها باشد. تحقق این هدف بر اساس ارزیابی و مقایسه پیشرفت کمی و کیفی فعالیت‌ها ارزیابی می‌گردد. اهداف اختصاصی زیر نیز می‌تواند دنبال گردد:

۱. توسعه فعالیت‌های زیربنایی (آب و خاک)، تاسیسات آبیاری و فعالیت‌های ساخت و احداث تاسیسات اداری (ساختمان دفتر کار)، انبار و واحد مکانیزاسیون.

۲. بهبود مدیریت منابع آب از طریق ایجاد و توسعه تشکلهای مدیریت منابع آب و آبیاری و بازمهندسی روش‌های موجود بهره‌برداری از منابع آب.

۳. شناسایی و توسعه روش‌های نوین تولید در بخش کشاورزی با تاکید بر اقدامات کشاورزی خوب (GAP)، ایجاد و توسعه گلخانه‌ها، صنایع تبدیلی و تکمیلی، بسته بندی و فرآوری تولیدات زراعی، باغی و

- دامی و همچنین، دامداری‌ها و تولید گیاهان دارویی و علوفه‌ای با مدیریت و محوریت شرکت‌های تعاونی تولید و اتحادیه‌های شهرستانی و استانی.
۴. مطالعه امکان‌سنجی برای شناسایی عرصه‌ها و نواحی مستعد تاسیس شرکت‌های تعاونی تولید روستایی و تاسیس و ثبت آن‌ها در راستای نیازها و سیاست‌های بخش کشاورزی.
۵. مطالعه و برنامه‌ریزی برای توسعه و بهبود فعالیت‌های تعاونی‌های تولید موجود.
۶. کمک به افزایش توان مالی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بازرگانی در شرکت‌ها و توسعه تسهیلات اعتباری مورد نیاز شرکت‌های تعاونی تولید.
۷. کمک به ارتقای سطح رفاه و تامین اجتماعی برای بهره‌برداران و اعضای شرکت‌ها از طریق تاسیس صندوق‌های اعتباری و قرض الحسنه، برقراری بیمه محصولات، بیمه تامین اجتماعی و درمانی.
۸. ارتقای فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و خدمات فنی و مشاوره‌ای در شرکت‌های تعاونی تولید.
۹. توسعه مهارتی و آموزش و بازآموزی مدیران عامل و ارکان تعاونی‌های تولید موجود.
۱۰. ارتقای توان تصمیم‌گیری و مشارکت اعضا و ارکان شرکت‌های تعاونی تولید.

لازم به ذکر است موارد بالا بخش‌هایی از پیش‌نویس بسته اجرایی توسعه نظام بهره‌برداری تعاونی تولید روستایی برای اجرا در برنامه ششم است. این بخش‌ها توسط اینجانب به رشته تحریر در آمده است.